

## مقایسه و تحلیل محتوای "منزلت های هویتی من" بین دختران ۱۸-۲۲ ساله و مادران آنها

اقدس سادات رضوی\* دکتر معصومه اسماعیلی\*\* دکتر نورعلی فرخی\*\*\*

**چکیده:** پژوهش حاضر با هدف مقایسه و تحلیل محتوای «منزلت های هویتی من» بین دختران ۱۸-۲۲ ساله و مادران آنها شکل گرفته است. انتخاب نمونه جامعه مورد پژوهش به روش نمونه گیری خوشه ای صورت گرفت و ۵۰ دانشجوی دختر از دانشجویان ۱۸-۲۲ ساله مقطع کارشناسی کلیه دانشکده های دانشگاه علامه طباطبایی تهران و ۵۰ نفر از مادرانشان به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته باز پاسخ مشتمل بر ۸ سؤال است که با تأکید بر نظریه مارسیا<sup>۱</sup> و استفاده از پرسشنامه عینی "منزلت های هویتی من" (EOM-EISII) ساخته شده است. پرسشنامه محقق ساخته باز پاسخ، پس از مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر و اعمال اصلاحات لازم، از نظر روایی محتوایی و روایی صوری مورد تایید چند تن از متخصصان قرار گرفت. در پژوهش حاضر از شیوه تحلیل محتوا و همچنین در مقایسه دو گروه، از آزمون حقیقی فیشر استفاده شده است. در نهایت نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که در شش زمینه انتخاب شغل، مذهب، ارتباط با دیگران و انتخاب دوست، رفتار با جنس مخالف و تصریح نقش همسری، ارتباط معناداری بین انواع منزلت های هویتی دختران و مادران وجود دارد و در سه زمینه شیوه زندگی، سیاست و گذراندن اوقات فراغت تفاوت معناداری بین این دو گروه یافت نشد.

**کلیدواژه ها:** منزلت های هویتی من، تحلیل محتوا، دختران، مادران

---

\* دانشجوی دکترای مشاوره خانواده - دانشگاه اصفهان

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

\*\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

## مقدمه

بی‌شک مرحله نوجوانی را می‌توان به عنوان آستانه شکل‌گیری شخصیت فردی از مهم‌ترین مراحل رشد شخصیت دانست. مرحله‌ای که چه در حیطه تجربی و چه در حیطه نظری نقطه اوجی اساسی برای فرد به حساب می‌آید، زیرا در همین دوره است که مانند مرحله آئینه‌ای دوران کودکی<sup>۱</sup>، فرد به آگاهی‌هایی دست می‌یابد که به شناخت وی از موقعیت‌اش در جهان اطراف منتج می‌شود. علم روان‌شناسی این شناخت را با اصطلاح هویت‌یابی<sup>۲</sup> مورد مذاقه قرار می‌دهد؛ اصطلاحی که به مرور یکی از سر فصل‌های مهم علم روان‌شناسی شده است. بدین ترتیب هویت‌یابی و نوجوانی توانسته‌اند دوگانه‌ای پایدار را در مباحث نظری روان‌شناسی به خود اختصاص دهند.

واژه نوجوانی (معادل واژه Adolescence) همان‌طور که از خواستگارش<sup>۳</sup> برمی‌آید، به معنای "رشد کردن به سوی رسش" است و مفاهیمی مانند بلوغ<sup>۴</sup> و رسش عاطفی، اجتماعی، ذهنی و اخلاقی را در بر می‌گیرد. دوره نوجوانی مرحله پیچیده‌ای از رشد انسان است که در طی آن نوجوانان، بلوغ را که بر رشد جسمانی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی آنان تأثیر می‌گذارد، تجربه می‌کنند، با تغییرات چشمگیری در مفهوم "خود"<sup>۵</sup> مواجه می‌شوند، "بحران هویت"<sup>۶</sup> را لمس می‌کنند، مسائل و مشکلات عاطفی آنها افزایش می‌یابد، از نظر هوشی به مرحله تفکر انتزاعی می‌رسند و ارتباط آنها با گروه‌های همسالان افزایش می‌یابد (بیابانگرد، ۱۳۸۴).

پدیده نوجوانی، با این پرسش اساسی نوجوان همراه است که "من کیستم؟". پاسخ این پرسش اساسی که چند سال ادامه خواهد یافت منجر به آگاهی و شناختی حیاتی می‌شود (هویت‌یابی). در این دوره انسان با انرژی و حساسیت در برابر بازتاب‌های محیط و مسئولیت‌پذیری فردی به دنبال کسب هویت است و باید نقطه اتکایی برای پیوند خود با جنس مخالف و

۱. مرحله‌ای که در آن کودک با مشاهده خویش در آئینه در مورد *من شناسا* و *فاعل شناسنده* خویش به آگاهی و شناخت می‌رسد و دارای اهمیت بسزایی در رشد کودک است.

## 2. moratorium identity

۳. واژه نوجوان ریشه در زبان اوستایی دارد و از لغاتی است که از کشاورزی وارد زبان روزمره شده و همچنان ارتباط معنایی خود (میان جوانه گیاه و انسان جوان) را حفظ کرده است.

## 4. puberty

## 5. ego

## 6. identity Crisis

ارزش های فرهنگی و اجتماعی اطراف بیابد (شیفر<sup>۱</sup>، ترجمه راسخ، ۱۳۸۳). در واقع مسئله وی این است: چه می شود که هیچ فردی نه مانند کسی می شود که قبل از او در این جهان می زیسته و نه مانند کسی خواهد شد که پس از او به این جهان خواهد آمد. نوجوانی که با این پرسش اساسی روبرو است می داند که به زودی باید مسئولیت زندگی خویش را شخصاً به عهده بگیرد و از خود می پرسد: باید چگونه زندگی کنم؟ چه حرفه ای را باید انتخاب کنم؟ در مورد رابطه ام با جنس مخالف و زندگی عادی چه خواهیم کرد؟ با کدام باورها و ارزش ها باید زندگی کنم؟ پاسخ به این پرسشها آسان نیست و با مقداری تشویش همراه است (لطف آبادی، ۱۳۸۴). برک<sup>۲</sup> در ۲۰۰۲ دوره نوجوانی را به سه مرحله متمایز تقسیم کرد:

۱. اوایل نوجوانی: این دوره ۱۱ تا ۱۴ سالگی را شامل می شود و در آن، فرد از نظر جنسی به رشد می رسد و سرعت رشد جسمانی زیاد است.

۲. اواسط نوجوانی: این دوره ۱۴ تا ۱۸ سالگی را شامل می شود و در آن تغییرات ناشی از بلوغ کامل می شود.

۳. اواخر نوجوانی: این دوره ۱۸ تا ۲۱ سالگی را شامل می شود و در آن، فرد نه تنها از نظر ظواهر، بلکه از نظر پذیرش نقش های بزرگسالان، وضعیتی مشابه آنان پیدا می کند (شهرآرای، ۱۳۸۳).

در طول این سه دوره (از ۱۱ سالگی تا ۲۱ سالگی)، نوجوان همواره حول محور هویت یابی، از سردرگمی هویت به دستیابی هویت و از بحران زندگی به ثبات و آرامش در سیلان و نوسان است. لازم به ذکر است که اگرچه رشد هویت در مراحل انتهایی نوجوانی ایجاد می شود، در طول دوره زندگی همچنان ادامه می یابد (مک کینون<sup>۳</sup> و مارسیا، ۲۰۰۲).

این دوره به دو دلیل، مهم ترین مرحله در نظریه رشد محسوب می شود: زیرا دوره گذار بین کودکی و بزرگسالی و نیز شروع شکل گیری یک دوره ساختار شخصیتی است، مثل "هویت" که به ساختارهای قبلی من، خود و فراخود اضافه می شود. بنابراین در طول دوره نوجوانی اصول و نقشه های کوچکی باید دوباره فرمول بندی شود و نوجوانی اولین زمانی است که همه اجزای لازم برای ساختار شخصیت وجود دارد؛ مانند: رشد جنسی، فیزیکی، شناختی و رشد همه اصول اخلاقی (مارسیا، ۲۰۰۲).

1. Shefer
2. Berk
3. Mackinnon

## طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های رشد متعلق به اریکسون<sup>۱</sup> است. اریکسون یکی از روان‌کاوانی است که معمولاً به "روان‌شناس خود"<sup>۲</sup> معروفند. روان‌شناسان خود برای فعالیت و کارکرد "ego" که در فارسی "خود" ترجمه شده است، اهمیت زیادی قائل‌اند. اریکسون دوره‌ی رشد انسان را به هشت مرحله تقسیم می‌کند که مرحله پنجم آن نوجوانی است و بحران اصلی این دوره را "هویت در برابر سردرگمی نقش"<sup>۳</sup> می‌داند. از نظر اریکسون، حل بهینه این بحران، هویت معنادار فردی را ایجاد می‌کند و احساس "این‌همانی"<sup>۴</sup> و "پیوستگی" را در شخص ایجاد می‌کند و دستاوردی است مهم که با آن شخص نوجوان گامی ارزشمند به سوی تبدیل شدن به فردی ثمربخش و خشنود بر می‌دارد. با آنکه "هویت من"<sup>۵</sup> یک فرد در پاسخ به تغییرات محیط اجتماعی پیوسته در حال تبدیل و تغییر است، اریکسون به دو بعد استمرار و مداومت فرد در طی زمان و احساس وحدت فرد به رغم گذشت زمان تاکید کرده است. وی معتقد است که تشکیل و حفظ احساسی قوی در مورد هویت من بسیار مهم و از وظایف هر فرد در طول زندگی است و تشکیل چنین احساسی می‌تواند زمینه ساز آسیب‌های روانی باشد (شی<sup>۶</sup> و کارور<sup>۷</sup>، ترجمه رضوانی، ۱۳۷۵).

مارسیا در ۱۹۶۶، طرح عقلانی کردن شکل‌گیری هویت اریکسون را از طریق فرآیند مصاحبه قابل بهره‌برداری کرد. این فرآیند بر دو چیز متمرکز بود: الف) بحرانی که در آن، فرد امکانات و انتخاب‌های دیگر را کشف می‌کند. ب) تعهدی که در آن، افراد یک هویت به خصوص را سرمایه‌گذاری می‌کنند (هانسبرگر<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۱).  
وی با انطباق بر دو معیار "کاوشگری"<sup>۹</sup> و "تعهد"<sup>۱۰</sup> و با سه حوزه عملکرد کلی یعنی شغل، ایدئولوژی و ارزش‌های بین شخصی، روشی برای سنجش "منزلت‌های هویتی من"<sup>۱۱</sup> به وجود آورد (مک‌کینون و مارسیا، ۲۰۰۲).

1. Ericson
3. identity vs. role confusion
5. ego identity
7. Carver
9. exploration
11. Ego Identity Status

2. ego psychologist
4. sameness
6. Schierermlf
8. Hunsberger
10. Commitment

مارسیا «منزلتهای هویتی من» را این طور نام‌گذاری کرد: هویت دنباله‌رو<sup>۱</sup>، هویت سردرگم<sup>۲</sup>، هویت بحران‌زده<sup>۳</sup> و هویت یافتگی<sup>۴</sup>. افراد هویت‌یافته بحران اکتشاف را تجربه کرده‌اند و از این طریق تعهدات راسخ و محکمی برایشان پدید آمده است. افرادی که در حال تجربه کردن بحران هویت و اکتشاف هستند، ولی تعهدی از آن برایشان حاصل نشده دارای هویت بحران‌زده‌اند و فرد دارای هویت دنباله‌رو هویتی متعهد است که حاصل تجربه بحران‌ها و اکتشافات همراه آن نیست. نهایتاً افراد دارای هویت سردرگم تعهدات مستحکم هویتی ندارند و به گونه‌ای فعال در حال کشف و درک چنین تعهداتی نیستند. در این بین منزلتهای سردرگم و دنباله‌رو در کمترین سطح رشدیافتگی قرار دارند و نسبتاً نابالغ‌اند. هویت بحران‌زده شرایط میانه‌ای دارد و مبین حرکت به سمت منزلتهای پخته‌تری مانند هویت‌یافتگی است (هانسبرگر و همکاران، ۲۰۰۱).

در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹، آدامز<sup>۵</sup> و همکارانش پرسشنامه سنجش عینی "منزلتهای هویتی من" را در دو حوزه نگرشی و بین‌شخصی تهیه کردند (آدامز و برزونسکی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳) و از آن زمان تا کنون پژوهش‌های فراوانی با استفاده از این پرسشنامه در مجامع علمی غرب در زمینه هویت صورت گرفته است. درباره پژوهش‌های انجام شده درباره پایگاه‌های هویت در ایران باید گفت که بیشتر پژوهش‌ها غالباً در حیطه "هویت شغلی" بوده‌اند (فیض درگاه، ۱۳۷۴). در سال‌های اخیر، مطالعه پایان‌نامه‌ها نشان داده است، که بیشتر تحقیقات در زمینه مقایسه ابعاد شخصیت، سلامت روان و منزلتهای هویتی یا مقایسه‌ای بین دختران و پسران دانشجو بوده‌اند (احمدیان، ۱۳۸۴، شکرایی، ۱۳۸۰).

لذا بر اساس مطالعات پژوهشگر، تاکنون در زمینه مقایسه زنان دو گروه سنی یا به عبارتی نقش عامل زمان در بررسی منزلتهای هویتی مطالعه‌ای انجام نشده است. این فقدان آغازگر این تفکر شد که با استناد به پرسشنامه منزلتهای هویتی من و نظریه مارسیا و با استفاده از روش تحلیل محتوا، مقایسه‌ای بین دختران ۱۸ تا ۲۲ ساله و مادران آنها صورت گیرد.

### سؤال‌های پژوهش

به طور کلی در پژوهش حاضر این پرسش مدنظر بوده است: آیا منزلتهای هویتی دختران ۱۸

1. identity diffusion
2. identity moratorium
3. identity achievement
4. Adams
5. Berzonsky

تا ۲۲ ساله و مادران آنها در سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی شان، با یکدیگر متفاوت است؟  
در پی این پرسش اساسیۀ سؤال های مرتبط با سؤال اصلی در دو بخش هویت نگرشی و هویت بین شخصی مطرح شد که عبارت اند از:

### سؤال های مربوط به هویت نگرشی

- ۱- آیا هویت نگرشی دختران و مادران آنها در سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی شان در زمینه انتخاب شغل با یکدیگر متفاوت است؟
- ۲- آیا هویت نگرشی دختران و مادران آنها در سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی شان در زمینه شیوه زندگی با یکدیگر متفاوت است؟
- ۳- آیا هویت نگرشی دختران و مادران آنها در سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی شان در زمینه مذهب با یکدیگر متفاوت است؟
- ۴- آیا هویت نگرشی دختران و مادران آنها در سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی شان در زمینه امور سیاسی با یکدیگر متفاوت است؟

### سؤال های مربوط به هویت بین شخصی

- ۱- آیا هویت بین شخصی دختران و مادران آنها در سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی شان در زمینه انتخاب دوست با یکدیگر متفاوت است؟
- ۲- آیا هویت بین شخصی دختران و مادران آنها در سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی شان در زمینه رفتار در برابر جنس مخالف با یکدیگر متفاوت است؟
- ۳- آیا هویت بین شخصی دختران و مادران آنها در سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی شان در زمینه تصریح نقش همسری با یکدیگر متفاوت است؟
- ۴- آیا هویت بین شخصی دختران و مادران آنها در سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی شان در زمینه انتخاب تفریحات با یکدیگر متفاوت است؟

### روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی و تلاشی است برای توصیف عینی، واقعی و منظم منزلت های هویتی دختران و مادران و سپس مقایسه این دو گروه. همچنین در این پژوهش از روش تحلیل

محتوا و شاخص‌های آمار توصیفی نظیر درصد و فراوانی و همچنین شاخص‌های آمار استنباطی نظیر آزمون حقیقی فیشر<sup>۱</sup> استفاده شده است.

### نمونه آماری و حجم نمونه

در این پژوهش، نمونه آماری عبارت‌اند از: تعداد ۵۰ دانشجوی دختر ۲۲-۱۸ ساله و ۵۰ نفر مادران همان دختران. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که از کلیه دانشکده‌های دانشگاه علامه طباطبایی به صورت تصادفی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی و از میان رشته‌ها به صورت تصادفی رشته تکنولوژی آموزشی و دو تا سه کلاس از همین رشته انتخاب و پرسشنامه‌ها بین دختران ۲۲-۱۸ ساله این کلاس‌ها و مادران آنها توزیع شد.

### روش گردآوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه باز پاسخ محقق ساخته استفاده شد که با تاکید بر نظریه مارسیا و اقتباس از پرسشنامه عینی "منزلتهای هویتی من" (EOM-EISII) تدوین شد. پرسشنامه بعد از تنظیم در اختیار ۱۰۰ دختر ۲۲-۱۸ و مادرانشان قرار داده شد، اما تعدادی از آنها به دست پژوهشگر نرسید و در نهایت تعداد ۵۰ پرسشنامه‌ای که دختران تکمیل کردند و ۵۰ پرسشنامه‌ای که مادران تکمیل کردند، مورد استفاده قرار گرفت.

### تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

در این پژوهش، مقیاس سازه‌هایی که برای سنجش چهار نوع منزلت هویتی استفاده شد، مشخصه‌هایی است که از پرسشنامه عینی "منزلتهای هویتی من" استخراج شده بود، هر یک از پاسخ‌های آزمودنی‌ها نیز با این مشخصه‌ها تطبیق داده شد و کدگذاری گردید. مشخصه‌های پرسشنامه "منزلتهای هویتی من" برای هر یک از چهار نوع منزلتهای هویتی بدین صورت است:

هویت‌یافتگی: اگرچه مدت زیادی وقت صرف کرده‌ام، با اطمینان تصمیم خود را گرفته‌ام و کاملاً آگاه هستم که به چه صورت عمل کنم.

1. Exact Fisher

هویت بحران زده: من هنوز نتوانسته‌ام در زمینه‌های مختلف تصمیم بگیرم و هنوز سعی دارم بفهمم که از چه میزان توانایی لازم برخوردارم.

هویت دنباله‌رو: من هیچ وقت به طور جدی فکر نکرده‌ام و همیشه پیرو نظر والدینم و دیگران هستم.

هویت سردرگم: من اصلاً به هیچ زمینه‌ای علاقه خاصی ندارم و هیچ چیز برایم مهم نیست. بعد از کدگذاری و شمارش فراوانی‌ها، نتایج فراوانی و درصد آن در جدول ذیل مشخص و توصیف شد. برای مقایسهٔ مادران و دختران در هر یک از سؤالهای پژوهش از آزمون حقیقی فیشر استفاده و نتایج گزارش شد.

### یافته های پژوهش

الف- یافته‌های مربوط به دختران

یافته‌های مربوط به دختران در هشت زمینه مطرح شده است که به تفکیک گزارش می‌شود:

۱- یافته‌های به دست آمده از دختران در زمینه انتخاب شغل نمونه‌هایی از پاسخ‌های دختران در زمینه نحوه انتخاب شغل که کدگذاری شده، به صورت زیر است:

- شغل باید مورد علاقه خودم باشد و کارآیی و درآمد کافی داشته باشد.

- شغل انتخابی من باید مورد تأیید خانواده‌ام باشد.

- شغلی مناسب است که متناسب با نیاز جامعه و توانایی خودم باشد.

- شغلی مناسب است که احساس امنیت در من ایجاد کند.

- در مورد شغل هنوز در حال تجربه کردن هستم.

۲- یافته‌های بدست آمده از دختران در زمینه شیوه زندگی کردن و برخورد با موانع و مشکلات زندگی

نمونه پاسخ‌های استخراج شده در این زمینه عبارت اند از:

- سکوت و کناره‌گیری از دیگران شیوه من است.

- شیوه من پیروی کردن و مشورت کردن با والدین و بزرگ‌ترهایی است که صلاحم را می‌خواهند.

- مشکلات را تحمل می‌کنم و با موانع و سختی‌های زندگی مقابله می‌کنم.



- با ریزبینی و درایت فراوان با مشکلات روبرو می‌شوم نه با احساسات.
- در برخورد با مشکلات صبور هستم و به خداوند توکل می‌کنم.
- من تجربه زیادی در این زمینه ندارم و هنوز نمی‌دانم چطور رفتار کنم.
- هنوز نتوانسته‌ام هیچ راه حلی برای موانع و مشکلات زندگی پیدا کنم.
- ۳- یافته‌های به دست آمده از دختران در زمینه نقش مذهب نمونه‌هایی از پاسخ‌های دختران در این زمینه بدین شرح است:
  - مذهب نقش بسزایی در زندگی من دارد و من شیعه دوازده امامی را انتخاب کرده‌ام.
  - مذهب را دوست دارم اما به طور کامل نمی‌توانم دستورات آن را رعایت کنم، سعی می‌کنم.
  - مذهب در زندگی من حرف اول را می‌زند.
  - من در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که زیاد دنباله‌رو مذهب نیستند.
  - من در حال تجربه کردن نقش مذهب در زندگی‌ام هستم و هنوز به نتیجه نرسیده‌ام.
- ۴- یافته‌های به دست آمده از دختران در زمینه نقش سیاست:
  - نمونه‌هایی از پاسخ‌های دختران به صورت زیر است:
    - من با سیاست کاری ندارم.
    - از مسائل سیاسی بیزارم.
    - بزرگان و والدین می‌گویند سیاست نقش بسزایی دارد.
    - امور سیاسی نقش عمده‌ای در زندگی من دارد و می‌تواند امنیت ایجاد کند.
    - سیاست باعث بهبود بعضی از امور می‌شود.
  - ۵- یافته‌های بدست آمده از دختران در زمینه ارتباط با دیگران و انتخاب دوست
    - نمونه‌هایی از پاسخ‌های داده شده بدین شرح است:
      - سریع با دیگران ارتباط برقرار می‌کنم و بسیار دوست و هم صحبت دارم.
      - من افراد خونگرم را برای دوستی انتخاب می‌کنم.
      - با کسی ارتباط برقرار می‌کنم که از نظر شخصیتی به من نزدیک باشد.
      - احترام را در روابطم با دیگران رعایت می‌کنم.
    - دوست صمیمی برایم معنای خاصی ندارد و مهم نیست که همیشه یک دوست صمیمی داشته باشم.

- سعی می‌کنم دوستانم را طوری انتخاب کنم که مورد تأیید همه و خانواده‌ام باشند.
- ۶- یافته‌های بدست آمده از دختران در زمینه رفتار با جنس مخالف نمونه‌هایی از پاسخ‌های داده شده به صورت زیر است:
- با جنس مخالف خیلی راحت ارتباط برقرار می‌کنم، ادب و احترام را رعایت می‌کنم.
- سعی می‌کنم رفتاری شایسته و مناسب داشته باشم.
- خیلی معمولی رفتار می‌کنم و رفتاری سنگین و متین دارم.
- همانند دوستان خودم با جنس مخالف رفتار می‌کنم.
- رفتار خاصی ندارم و برایم مهم نیست.
- هیچ علاقه‌ای به رفتار با جنس مخالف ندارم.
- ۷- یافته‌های به دست آمده از دختران در زمینه نقش همسران نمونه‌هایی از پاسخ‌های به دست آمده به صورت زیر است:
- به نظر من نقش زن و مرد یکسان است.
- همسران در خانواده نقش اساسی و کلیدی دارند.
- نقش زن و مرد مکمل یکدیگر است.
- مهم‌ترین نقش همسران در خانواده تربیت فرزندان سالم است.
- تا به حال به نقش همسران در زندگی فکر نکرده‌ام.
- ۸- یافته‌های به دست آمده از دختران در زمینه انتخاب تفریح نمونه‌هایی از پاسخ‌های بدست آمده به صورت زیر است:
- تفریح من مطالعه کردن کتاب و رفتن به خانه دوستان و اقوام است.
- هر تفریحی را که خانواده انتخاب کند انجام می‌دهم و در کنار خانواده لذت می‌برم.
- رفتن به کوه و جاهای تفریحی را دوست دارم و آرامش پیدا می‌کنم.
- بیشتر دوست دارم به مسافرت بروم و تفریحات سالم را انتخاب کنم.
- همیشه سعی می‌کنم کسی را برای تفریح انتخاب کنم که گذراندن وقت با او برایم لذت بخش باشد.
- بیشترین تفریحات من با پدر و مادرم است.
- ب- یافته‌های مربوط به مادران

- یافته‌های مربوط به مادران نیز در هشت زمینه مطرح شده است که به تفکیک گزارش می‌شود:
- ۱- یافته‌های به دست آمده از مادران در زمینه نحوه انتخاب شغل.
    - نمونه‌هایی از پاسخ‌های مادران در این زمینه بدین صورت است:
    - در سن ۱۸-۲۲ سالگی زیاد به فکر نمی‌افزادم که من هم می‌توانم کار کنم.
    - همیشه در گذشته دوست داشتم شغلی را انتخاب کنم، اما موقعیت مطلوب نبود.
    - خانواده من در گذشته محدود می‌کرد و اجازه نداشتیم شغلی برای خودمان انتخاب کنیم.
    - در گذشته به دلیل شروع زندگی مشترک اصلاً به دنبال انتخاب شغل و کار نبودم.
    - در گذشته دوست داشتم معلم شوم، اما نشد.
    - به دلیل مخالفت‌های خانواده اجازه کار کردن و اشتغال نداشتم.
  - ۲- یافته‌های به دست آمده از مادران در زمینه شیوه و روش زندگی
    - نمونه‌هایی از پاسخ‌های مادران بدین شرح است:
    - در سن ۱۸-۲۲ سالگی در برخورد با موانع و مشکلات مشورت می‌کردم.
    - در سن ۱۸-۲۲ سالگی بیشتر متکی به بزرگ‌ترها، شوهرم و خانواده شوهرم بودم.
    - در گذشته اصلاً مشکلات را جدی تلقی نمی‌کردم و اهمیتی به آن نمی‌دادم.
    - در گذشته بسیار محکم و مقاوم بودم و مشکلات زندگی را با صبر از سر راه بر می‌داشتم.
    - در گذشته بیشتر شیوه زندگی و برخورد با مشکلات بر عهده مرد خانواده بود و ما هم پیرو او بودیم.
    - در گذشته به خوبی نمی‌دانستم چطور در زندگی رفتار کنم، اما سعی می‌کردم شیوه مناسب را پیدا کنم.
  - ۳- یافته‌های به دست آمده از مادران در زمینه نقش مذهب
    - نمونه‌هایی از پاسخ‌های مادران بدین صورت است:
    - در آن سنین مذهب را می‌شناختم و نماز می‌خواندم اما دیر و زود داشت و در حال تجربه کردن بودم.
    - در آن سنین به موضوع مذهب هیچ توجهی نداشتم.
    - در آن زمان در جلسات قرآنی شرکت می‌کردم و به آئین مذهب احترام می‌گذاشتم.
    - در گذشته چون در یک خانواده مذهبی بزرگ شده بودم مقید به مذهب بودم.
    - در گذشته مذهب را عامل مهمی می‌دانستم، اما اعتقاداتم ضعیف تر از حال بود.

- ۴- یافته‌های به دست آمده از مادران در زمینه نقش سیاست نمونه‌هایی از پاسخ‌های مادران در زمینه نقش سیاست در زندگی بدین صورت است:
- در آن سال‌ها به امور سیاسی علاقه داشتم و همیشه از وضع سیاسی جامعه باخبر بودم.
  - هیچ علاقه‌ای در آن زمانها به سیاست نداشتم.
  - چه در آن زمان و چه در حال حاضر کاری به سیاست و مسائل مربوط به آن نداشته‌ام.
  - چون در آن زمان بر طبق حرف‌های پدرم عمل می‌کردم، سیاست نقش مهمی در زندگی‌ام داشت.
  - در آن زمان تا حدودی مهم بود، اما نه به طور کامل و اکنون نقش آن پررنگ‌تر شده است.
  - در امور سیاسی با همسرم هم عقیده هستم و نظرات او برایم مهم است.
- ۵- یافته‌های به دست آمده از مادران در زمینه ارتباط با دیگران و انتخاب دوست نمونه‌هایی از پاسخ‌های مادران در زمینه بفراری روابط که به انتخاب دوست منجر می‌شود بدین شرح است:
- در انتخاب دوست در آن سنین جانب احتیاط را رعایت می‌کردم.
  - در آن سنین به راحتی پیرو همه بودم و حرف همه را برای دوستی قبول می‌کردم.
  - با توجه به شرایط و نوع ارتباطات آن زمان با دیگران رفتار می‌کردم.
  - در آن شرایط کاملاً زیر نظر خانواده، دوست پیدا می‌کردم.
  - در آن زمان فقط در حد روابط خانوادگی با دیگران ارتباط برقرار می‌کردم.
  - در آن زمان دوست‌های زیادی داشتم، اما به طور کامل نمی‌دانستم چطور رفتار کنم.
- ۶- یافته‌های به دست آمده از مادران در زمینه رفتار با جنس مخالف نمونه‌هایی از پاسخ‌های مادران به این صورت است:
- در آن سنین نمی‌دانستم چه رفتاری با مردان داشته باشم.
  - در برخورد با مردان در آن زمان رفتاری سالم و معقول داشتم.
  - در آن سنین طوری در خانواده تربیت شده بودم که نباید به مردان نزدیک می‌شدم.
  - در سنین ۲۲-۱۸ سالگی در مقابل جنس مخالف خیلی راحت و با اقتدار برخورد می‌کردم.
  - در تمام مواقع با احتیاط با جنس مخالف رفتار می‌کردم.
  - سعی می‌کردم هیچ برخوردی با جنس مخالف نداشته باشم.
- ۷- یافته‌های به دست آمده از مادران در زمینه نقش همسران

نمونه‌هایی از پاسخ‌های مادران بدین شرح است:

- در آن زمان نقش مرد و زن کاملاً متفاوت بود. مردان بیرون خانه و زنان در خانه کار می‌کردند.

- همسران مکمل یکدیگر هستند و هر دو نقش مهمی در زندگی ایفا می‌کنند.

- در آن زمان هیچ نظر خاصی راجع به نقش همسران در خانواده نداشتیم.

- در آن سنین به من یاد داده بودند که مطیع اوامر شوهرم و پیرو او باشم.

- در جوانی فکر می‌کردم که زن و شوهر نقش خاصی ندارند و زندگی فقط گردش و خوش گذرانی است.

۸- یافته‌های به دست آمده از مادران در زمینه انتخاب تفریح و گذراندن اوقات فراغت

نمونه‌هایی از پاسخ‌هایی که مادران به چگونگی گذراندن اوقات فراغت و نحوه انتخاب تفریح داده‌اند بدین شرح است:

- در آن زمان تفریحات و گذران اوقات فراغت را بیشتر رفتن به پارک‌ها و مسافرت می‌دانستیم.

- در آن زمان تفریحات سالم را انتخاب می‌کردم.

- در آن زمان به تفریح هیچ اهمیتی نمی‌دادم.

- در آن زمان فقط به همراه خانواده اوقات فراغت را می‌گذراندیم و به تفریح می‌رفتیم.

- در آن زمان به دلیل داشتن مشکلات، تفریحات خاصی نداشتیم.

جدول فراوانی و درصد انواع منزلت های هویتی مادران و دختران

انواع هویت مادران								انواع هویت دختران								انواع منزلت های هویتی	زمینه های مورد مطالعه
هویت یافتگی		هویت بحران زده		هویت دنباله رو		هویت سردر گم		هویت یافتگی		هویت بحران زده		هویت دنباله رو		هویت سردر گم			
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۴۲	۲۱	۱۶	۸	۸	۴	۳۴	۱۷	۹۰	۴۵	۸	۴	۲	۱	۰	۰	نحوه انتخاب شغل	
۶۸	۳۴	۱۶	۸	۱۲	۶	۸	۴	۸۰	۴۰	۸	۴	۱۰	۵	۲	۱	شیوه زندگی	
۶۸	۳۴	۱۲	۶	۸	۴	۱۲	۶	۸۶	۴۳	۸	۴	۶	۳	۰	۰	نقش مذهب در زندگی	
۲۲	۱۱	۴	۲	۲	۱	۷۲	۳۶	۳۶	۱۸	۰	۰	۴	۲	۶۰	۳۰	نقش سیاست در زندگی	
۴۸	۲۴	۲۶	۱۳	۱۴	۷	۱۲	۶	۹۲	۴۶	۰	۰	۴	۲	۴	۲	ارتباط با دیگران و انتخاب دوست	
۵۶	۲۸	۲	۱	۸	۴	۳۴	۱۷	۸۸	۴۴	۰	۰	۰	۰	۱۲	۶	رابطه با جنس مخالف	
۶۶	۳۳	۶	۳	۴	۲	۲۴	۱۲	۹۶	۴۸	۰	۰	۰	۰	۴	۲	تصریح نقش همسری	
۷۲	۳۶	۲	۱	۲۰	۱۰	۶	۳	۸۶	۴۳	۲	۱	۱۲	۶	۰	۰	انتخاب تفریح و گذران اوقات فراغت	

### تحلیل و بررسی سؤال های پژوهش

این بخش شامل تحلیل استنباطی سؤالاتی است که از آزمون حقیقی فیشر برای مقایسه انواع منزلتهای هویتی دختران و مادران در هشت زمینه مطرح شده، استخراج شده است. لازم به ذکر است، که چون در همه جداول، بیشتر از ۲۰ درصد خانهها دارای فراوانی مورد انتظار کمتر از ۵ بودهاند به جای آزمون مجذورخی دوطرفه از آزمون حقیقی فیشر استفاده شده است.

**سؤال ۱:** آیا هویت نگرشی دختران و مادران آنها در سنین ۲۲-۱۸ سالگی در زمینه انتخاب شغل با یکدیگر متفاوت است؟

براساس نتایج مندرج در جدول، مقدار فیشر محاسبه شده  $F=۳۲/۰۱$  و مقدار  $P < ۰/۰۰۰۱$  گزارش شده است. چون مقدار  $P$  محاسبه شده از  $۰/۰۵$  کمتر است، نتیجه گرفته می شود که بین منزلتهای هویتی این دو گروه در زمینه انتخاب شغل تفاوت معناداری وجود دارد.

در تایید نتایج فوق، با توجه به مقاله بی نا (۱۳۷۸) درمی یابیم که در جامعه سنتی، هویت یابی بیشتر در نتیجه جریان های عمده زندگی فردی و به صورت یکباره شکل می گیرد. فرد در زمینه هویت یابی شغلی نیز به یکباره در یک موقعیت شغلی قرار می گیرد و در قالب یک شغل مشخص وارد حیات اقتصادی خانواده و جامعه می شود. بیشترین هویت یابی در جوامع سنتی در خانواده سازمان می یابد. نتایج پژوهش حاضر نیز موید همین مطلب است که مادران در جوامع سنتی دو تا سه دهه قبل، در سنین جوانی بوده اند و در نتیجه بیشتر در زمینه انتخاب شغل سردرگم بوده و کمتر دخالتی در انتخاب شغل داشته اند. بیشتر آنها به شغل خانه داری مشغول بوده اند و درصد بیشتری از آنان به دخترانشان دارای منزلت هویتی دنباله رو هستند. این امر نشان می دهد که بیشترین هویت یابی در جوامع سنتی در خانواده انجام می شده است. ناجی راد (۱۳۸۲) نیز بیان کرده است که مناسبات و ارزش های فرهنگی یک جامعه رابطه مستقیمی با میزان اشتغال زنان دارد و در ساختار فرهنگی ایران، همیشه نقش اصلی زنان، همسر داری، خانه داری و مادری است. اصولاً خانواده ها برای فرزندان مونث خود سرمایه گذاری نمی کنند و در نتیجه یکی از موانع مهم شکل گیری نرخ اشتغال زنان در جامعه به شمار می روند. علاوه بر خانواده، مدرسه، اجتماع و برخی از باورهای که بیشتر با نام دین و مذهب تبلیغ می شوند نیز موجب تقویت این ساختار فرهنگی شود. اما در جوامع جدید - مانند آنچه مشمول دختران این پژوهش - هویت یابی بیشتر به صورت تدریجی انجام می شود و در نتیجه تأثیر و تأثر متقابل فرد با مجموعه ای از عناصر و موقعیت های کاملاً ذهنی است.

پژوهش حاضر نشان داده است که درصد بیشتری از دختران در زمینه شغل در منزلت هویت یافتگی قرار دارند. با توجه به پاسخ‌های دختران به سؤال‌های پرسشنامه متوجه می‌شویم که آنها از مدت‌ها پیش برای انتخاب شغل، به تفکر پرداخته‌اند و قبل از ورود به دنیای عملی تجربه، به طور ذهنی تحت آموزش انتزاعی قرار گرفته‌اند و برخلاف مادرانشان یکباره هویت‌شان کامل نشده است. در کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایشی نیز مطرح شده است که موقعیت نسل جدید تفاوت‌هایی کیفی با نسل‌های پیشین پیدا کرده است. و گروه‌های نسلی جدید کمتر فرآیند جامعه‌پذیری خود را در خانواده سپری می‌کنند.

علاوه بر این ویژگی‌های نسلی، شاید تغییر و تحولاتی که تا امروز در جامعه ایران صورت گرفته است، مانند وضعیت اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه، دختران را به سمت هویت یافتگی در زمینه انتخاب شغل سوق داده است. راستگو مقدم (۱۳۷۶) نیز بیان داشته است که هویت شغلی با افزایش سن ارتباط معناداری دارد. چنین رابطه‌ای این احتمال را به وجود می‌آورد که مادران در آینده به هویت‌یافتگی بیشتری در زمینه انتخاب شغل دست یابند. با توجه به پاسخ‌نامه‌ها متوجه می‌شویم مادران در پاسخ‌های خود به این سوال بیان داشته‌اند که در گذشته انتخاب شغل برایشان مهم نبوده است، ولی در حال حاضر اشتغال از مسائل مهم زندگی آنهاست.

**سؤال ۲:** آیا هویت‌نگرشی دختران و مادران آنها در سنین ۱۸-۲۲ سالگی در زمینه شیوه زندگی با یکدیگر متفاوت است؟

براساس نتایج مندرج در جدول، مقدار فیشر محاسبه شده  $F = 4/19$  و مقدار  $P < 0/226$  گزارش شده است. چون مقدار  $P$  محاسبه شده از  $0/05$  بیشتر است، نتیجه گرفته می‌شود که بین منزلت‌های هویتی این دو گروه در زمینه شیوه زندگی تفاوت معناداری وجود ندارد. به نظر آدلر "بنیان‌گذار روان‌شناسی فردی"، شیوه زندگی مجموعه عقاید، طرح‌ها و نمونه‌های عادی رفتار، هوی و هوس‌ها، هدف‌های طولی‌مدت، تبیین شرایط اجتماعی یا شخصی است که برای تأمین امنیت خاطر فرد لازم است. شیوه زندگی به نحوه تفکر، احساسات و ادراکات، رؤیاها و غیره اشاره دارد و نوع خاص واکنش فرد در برابر موانع و مشکلات زندگی را نیز شامل می‌شود (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۷۳). از نظر آدلر بنیان شیوه زندگی در اوائل کودکی شکل می‌گیرد و شیوه‌های زندگی بعدی افراد، شکل بسط یافته شیوه‌های زندگی اولیه‌اند (شارف، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۱). بنابراین، اطلاعات مربوط به تربیت کودک و هم‌



طور خاطرات اولیه او در محیط اجتماعی خانواده، نقش مهمی در تشخیص چگونگی شیوه زندگی او بازی می‌کند. به عبارت دیگر، محیط اولیه، شرایط خانواده و احساسات اجتماعی در تعیین سمت و سوی شیوه زندگی افراد موثرند (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۷۳).

با توجه به مبانی نظری فوق، در می‌یابیم شیوه زندگی طبق نظر آدلر همان چیزی است که از خانواده گرفته می‌شود و به صورت مستمر با تغییرات اندکی تداوم می‌یابد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر عدم تفاوت معنادار بین منزلتهای هویتی دختران و مادران در زمینه شیوه زندگی نیز، مؤید این نظر است.

**سؤال ۳:** آیا هویت نگرشی دختران و مادران آنها در سنین ۲۲-۱۸ سالگی در زمینه نقش مذهب با یکدیگر متفاوت است؟

بر اساس نتایج مندرج در جدول، مقدار فیشر محاسبه شده  $F=7/72$  و مقدار  $P < 0/05$  گزارش شده است. چون مقدار  $P$  محاسبه شده برابر است با  $0/05$  نتیجه گرفته می‌شود که بین منزلتهای هویتی این دو گروه در زمینه نقش مذهب تفاوت معناداری وجود دارد. برای تأیید نتیجه پژوهش حاضر به بررسی مبانی نظری و برخی از پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه می‌پردازیم:

واترمن و همکارانش در ۱۹۷۱ به نقل از استنبرگ (۱۹۹۹) بیان داشته‌اند که در میان دانشجویان دانشگاه‌ها تعهدات مذهبی وجود ندارد. مطالعاتی که آدامز و مونرو، به نقل از انصاری و اسکویی (۱۳۸۰) انجام داده‌اند نیز مبین این مطلب است که دانشجویان اعتنایی به مسائل مذهبی نداشته‌اند و محققان نتیجه گرفته‌اند که محیط دانشگاه ممکن است تفکرات و سوالهای مذهبی را تقویت نکند.

نتایج مطرح شده در کارگاه یافته‌های پیمایش ملی در ایران نیز نشان داده‌اند که در پیمایش سال ۸۲ تفاوت چشمگیری بین گروههای سنی وجود دارد و گروه سنی جوان به نحو قابل توجهی خود را کم مذهب می‌دانند و یا اصلاً مذهبی نمی‌دانند.

نتایج پژوهش حاضر در زمینه موقعیت مذهبی گروه دختران با نتایج حاصل از پژوهش‌های فوق متفاوت است و ۸۶ درصد از هویت‌یافتگی را در منزلتهای هویتی دختران نشان داده است. با مراجعه به مقاله بی‌نا (۱۳۷۸) در می‌یابیم که دختران در جامعه جدید ایران با تفکر و بینش و آگاهی بیشتر و به تدریج به فرایند هویت‌یابی مذهبی خود می‌پردازند و بدین ترتیب نتایج پژوهش حاضر مورد تأیید قرار می‌گیرد.

پژوهش عزتی (۱۳۸۶) نیز نشان داده است که استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای تأثیری منفی در هویت دینی افراد داشته و موجب شده است که افراد در برابر شرایط جدید دچار نوعی بحران یا دست کم رکود هویت شوند و هویت سابق آنها به نفع هویت جدید برآمده از شرایط جدید، کنار می‌رود یا دست کم جنبه‌هایی از آن را تغییراتی می‌شوند.

با توجه به روند افزایشی استفاده از رسانه ماهواره در کشور ایران، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ماهواره تأثیری در منزلت هویت دینی و مذهبی دختران جوان نداشته است و نتایج پژوهش فوق با نتایج حاصل از پژوهش حاضر مغایر است.

اما در جامعه سنتی، همان‌طور که بی‌نا (۱۳۷۸) بیان کرده است، مادران به یکباره فرآیند هویت‌یابی مذهبی را طی کرده‌اند و زمان رسیدن به سن تکلیف، مبنایی برای شروع شکل‌گیری هویت دینی آنان بوده است. با توجه به مطلب فوق به تأیید این یافته می‌رسیم که مادران در زمینه نقش مذهب ۱۲ درصد سردرگم و ۶۸ درصد هویت یافته‌اند و در هویت‌یابی کمتر با تعقل و تفکر عمل کرده‌اند، این مطلب تفاوت بین مادران و دختران (جامعه سنتی و جامعه جدید) را نشان می‌دهد.

**سؤال ۴:** آیا هویت نگرشی دختران و مادران آنها در سنین ۲۲-۱۸ سالگی در زمینه نقش سیاست با یکدیگر متفاوت است؟

براساس نتایج مندرج در جدول، مقدار فیشر محاسبه شده  $F=4/24$  و مقدار  $P<0/23$  گزارش شده است. چون مقدار  $P$  محاسبه شده از  $0/05$  بیشتر است، نتیجه گرفته می‌شود که بین منزلت‌های هویتی این دو گروه در زمینه نقش سیاست تفاوت معناداری وجود ندارد و هر دو گروه مادران و دختران به ترتیب با ۷۲ درصد و ۶۰ درصد، در منزلت هویتی سردرگم قرار دارند و فقط ۲۲ درصد از مادران و ۳۶ درصد از دختران در این زمینه در منزلت هویت‌یافتگی هستند. برای بررسی نتایج فوق به ذکر چند پژوهش و چند مبنای نظری می‌پردازیم:

براساس تحقیقات واترمن به نقل از استنبرگ (۱۹۹۹) و مطالعات آدامز و مونرو به نقل از انصاری و اسکویی (۱۳۸۰) دانشجویان دانشگاه‌ها تمایل کمی به پذیرش عقاید سیاسی نشان داده‌اند. کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ملی نیز گزارش کرده است که در مورد حساسیت به مسائل سیاسی، اطلاعات بیانگر کاهش میزان علاقه به پیگیری مسائل سیاسی در نسل جوان است. نتایج پژوهش حاضر نیز تأییدکننده مطلب فوق است و نشان می‌دهد، دختران دانشجو در زمینه تعهدات سیاسی بیشتر در منزلت هویتی سردرگم قرار داشته‌اند. از سوی دیگر، مادران

این دختران نیز در سنین ۲۲-۱۸ در بحبوحه شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تغییر کامل وضعیت سیاسی کشور، ناخواسته در شرایطی قرار گرفته‌اند که تنها ۲۲ درصد از آنها به هویت‌یافتگی رسیده‌اند. در این بین می‌توان شرایط تربیتی سنتی خانواده‌ها را نیز دخیل دانست که حتی در عصر حاضر نیز سیاست را مقوله‌ای مردانه به شمار می‌آورند.

**سؤال ۵:** آیا هویت بین‌شخصی دختران و مادران آنها در سنین ۲۲-۱۸ سالگی در زمینه شیوه ارتباط با دیگران با یکدیگر متفاوت است؟

براساس نتایج مندرج در جدول مقدار فیشر  $F=26/49$  محاسبه شده و مقدار  $P < 0/0001$  گزارش شده است. چون مقدار  $P$  محاسبه شده از  $0/05$  کمتر است، نتیجه گرفته می‌شود که بین منزلت‌های هویتی این دو گروه در زمینه ارتباط با دیگران و انتخاب دوست، تفاوت معناداری وجود دارد.

مطالبی که قبلاً در مورد تفاوت بین جوامع سنتی و جامعه جدید از نظر بی‌نا (۱۳۷۸) مطرح شد در این مورد نیز صدق می‌کند و همین عوامل سبب شده است که دختران نسبت به مادران در زمینه انتخاب دوست، هویت‌یافتگی بالاتری نشان دهند.

قابل ذکر است که از نظر میلمن، به نقل از میکوچی (۱۹۹۸)، ترجمه یاسایی، (۱۳۸۳) موقعیت ایده آل از نظر هویتی، هویت تعلیق یا همان هویت بحران‌زده است. نوجوانان در وضعیت تعلیق در فرآیند کاوش خودشان قرار دارند و سرانجام به هویتی روشن دست می‌یابند و در زمان خود در مقوله هویت‌یافتگی جای می‌گیرند. به عبارتی دیگر، موفقیت نوجوانان در مقوله هویت‌یابی، همراه با سن افزایش می‌یابد. در نتیجه، مادران این پژوهش ۲۶ درصدشان در سن ۲۲-۱۸ سالگی در زمینه ارتباط با دیگران و انتخاب دوست، هویت بحران‌زده را نشان داده‌اند، احتمال دارد در سنین بعد در این زمینه به مرحله هویت‌یافتگی دست یافته باشند.

**سؤال ۶:** آیا هویت بین‌شخصی دختران و مادران آنها در سنین ۲۲-۱۸ سالگی در زمینه رفتار با جنس مخالف با یکدیگر متفاوت است؟

براساس نتایج مندرج در جدول، مقدار فیشر  $F=13/43$  محاسبه شده و مقدار  $P < 0/001$  گزارش شده است چون مقدار  $P$  محاسبه شده از  $0/05$  کمتر است، نتیجه گرفته می‌شود که بین منزلت‌های هویتی این دو گروه در زمینه رفتار با جنس مخالف تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که در این مورد دختران بیشتر هویت‌یافته و مادران بیشتر سردرگم بوده‌اند.

از مطلب فوق نتیجه گرفته می‌شود که مادران در دو یا سه دهه قبل در سنین جوانی بوده‌اند، به دلیل شرایط اجتماعی حاکم بر آن زمان و اینکه هویت آنها در نهاد خانواده شکل می‌گرفته است، کمتر با جنس مخالف برخورد داشته‌اند. طبق نظر بی‌نا (۱۳۷۸) در جامعه سنتی، زنان به محض بلوغ و حتی در بعضی از عرصه‌های زندگی جمعی، بسیار زودتر از بلوغ وارد جریان هویت‌یابی می‌شدند و هویت آنها به کمال می‌رسید.

رسانه‌های جمعی غیررسمی نیز در شکل‌گیری نگرش مثبت دختران در مورد رابطه با جنس مخالف، تأثیر فراوانی دارند. بنابر این با توجه به ازدیاد رسانه‌های غیر رسمی مانند فیلمهای خارجی، ویدئویی و ماهواره، دختران در زمینه ارتباط با جنس مخالف، بیشتر در منزلت هویت یافتگی قرار دارند و مادران در دو تا سه دهه قبل به علت نبودن رسانه‌های غیر رسمی کمتر هویت یافته بوده‌اند. اما با گذشت زمان، نگرش مادران در مورد ارتباط با جنس مخالف همانند دخترانشان شده است.

**سؤال ۷:** آیا هویت بین‌شخصی دختران و مادران آنها در سنین ۲۲-۱۸ سالگی در زمینه تصریح نقش همسری با یکدیگر متفاوت است؟

براساس نتایج مندرج در جدول مقدار فیشر  $F=14/29$  محاسبه شده و مقدار  $P<0/001$  گزارش شده است چون مقدار  $P$  محاسبه شده از  $0/05$  کمتر است، نتیجه گرفته می‌شود که بین منزلت‌های هویتی این دو گروه در زمینه تصریح نقش همسری تفاوت معناداری وجود دارد.

در مورد تصریح نقش همسری و تفاوت مشاهده شده بین دختران و مادران، همان طور که در بحث و بررسی راجع به مفاهیم قبل مشاهده کردیم، تفاوت بین فرآیند هویت‌یابی جامعه سنتی و جامعه جدید در این زمینه هم می‌تواند تایید کننده مطلب باشد. به طور کلی با توجه به نقش سنتی زن و اینکه زنان جامعه سنتی نقش خود را اجرای وظایف مادری و همسری می‌دانند و مردان فقط عهده‌دار کارهای بیرون از منزل هستند، می‌توان گفت که نگرش زنان جامعه سنتی به نقش زن تحمیل شده و ناشی از وضعیت حاکم بر زمانشان بوده است. اما در جامعه جدید نقش‌های زنان به اشکال مختلف تغییر کرده است، به طوری که زنان علاوه بر نقش‌های سنتی قدیمی، عهده‌دار بسیاری از نقش‌های دیگر نیز هستند. بنابر این آگاهی دختران در جامعه جدید بالاتر رفته است و با بینش و تفکر بیشتر به فرآیند هویت‌یابی در این زمینه و حتی زمینه‌های دیگر می‌پردازند.

**سؤال ۸:** آیا هویت نگرشی دختران و مادران آنها در سنین ۲۲-۱۸ سالگی در زمینه انتخاب

تفریح و گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر متفاوت است؟

بر اساس نتایج مندرج در جدول، مقدار فیشر محاسبه شده  $F = ۴/۴۴$  و مقدار  $P < ۰/۲۱$  گزارش شده است چون مقدار  $P$  محاسبه شده از  $۰/۰۵$  بیشتر است، نتیجه گرفته می‌شود که بین منزلت‌های هویتی این دو گروه در زمینه انتخاب تفریح و گذراندن اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود ندارد.

با توجه به نتایج به دست آمده نتیجه گرفته می‌شود که اوقات فراغت و تفریحات از جمله مسائلی است که هم در جامعه سنتی و هم در جامعه جدید، مورد توجه و برای زنان مهم بوده است. لازم به ذکر است در پاسخ‌هایی که مادران و دختران به سؤال گذراندن اوقات فراغت داده‌اند، فقط تفاوت‌هایی در نوع تفریح مشاهده شده است. بیشتر مادران (جامعه سنتی) در مورد نحوه گذراندن اوقات فراغت، رفتن به منزل اقوام و خویشاوندان، رفتن به مکان‌های تفریحی همراه با خانواده را ذکر کرده اند در جامعه جدید پاسخ‌هایی که از دختران دریافت شده نشان دهنده این است که دختران کمتر در کنار خانواده به گذراندن اوقات فراغت می‌پردازند و بیشتر آنها رفتن به کوه با دوستان و تفریحات دسته جمعی و گاهی اوقات مطالعه را انتخاب کرده اند. به این ترتیب در جامعه جدید بیشتر زنان در نهادهایی غیر از نهادهای سنتی خانواده به گذراندن اوقات فراغت می‌پردازند و کمتر فرآیند جامعه‌پذیری را در خانواده سپری می‌کنند.

از آنجا که تفریح و اوقات فراغت به نوعی، شیوه زندگی افراد است - همان طور که در زمینه شیوه زندگی توضیح داده شد - و شیوه زندگی افراد متأثر از خانواده آنهاست، در نتیجه گذراندن اوقات فراغت و نوع تفریحات نیز متأثر از خانواده است و به تبع آن تفاوتی بین دو گروه مادران و دختران در این زمینه مشاهده نشده است.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج و یافته‌های این پژوهش، وجود تفاوت معنادار در شش زمینه انتخاب شغل، مذهب، ارتباط با دیگران، انتخاب دوست، رفتار با جنس مخالف و تصریح نقش همسری را در بین مادران و دختران نشان داده است. نتیجه گرفته می‌شود دخترانی که در جامعه مدرن امروزی زندگی می‌کنند نسبت به مادرانشان که در دو یا سه دهه قبل می‌زیسته‌اند، پایگاه‌های هویتی متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. مثلاً در زمینه انتخاب شغل، دختران بیشتر دارای منزلت هویت

یافتگی بوده اند و این نتیجه نشان می دهد که تغییرات و تحولات اجتماعی-اقتصادی جامعه مدرن و همچنین تفکر در زمینه اشتغال قبل از شروع به کار می تواند عامل تفاوت معنادار بین این دو گروه باشد. پیشنهاد می شود علت این تفاوت معنادار در تحقیقات بعدی مورد مطالعه قرار گیرد. در زمینه نقش مذهب نیز وجود تفاوت معنادار نشان دهنده این مطلب است که مادران در جامعه سنتی به یکباره و همزمان با رسیدن به سن تکلیف، هویت دینی شان تکوین یافته است در حالی که زنان در جامعه امروزی بعد از اکتشافات و بررسی های بیشتر در این زمینه، به هویت یافتگی بیشتری رسیده اند. در زمینه های ارتباطی و رفتار با جنس مخالف و همچنین نقش همسری تفاوت بین دو گروه مورد مطالعه نشان دهنده رشد روزافزون اندیشه ها و تفکرات در زمینه زندگی مشترک و تفاوت های جنسیتی در بین زنان نسل جدید است. نتایج پژوهش حاضر در زمینه های شیوه زندگی، سیاست و گذراندن اوقات فراغت حاکی از آن است که دو نسل زنان ایرانی در این زمینه ها به یک صورت عمل کرده اند و تفاوت معناداری بین این دو گروه مشاهده نشده است. نتایج تحقیقات پیشین و بررسی پیشینه ها و نظریه های موجود در مورد این حیطه ها تأیید کننده مطلب فوق است.

### منابع فارسی

- احمدیان، ح. (۱۳۸۴). بررسی رابطه ابعاد شخصیت و منزلت های هویتی من. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- انصاری، ز؛ اسکویی، ن. (۱۳۸۰). هویت/دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش. تهران: مرکز فرهنگی و انتشاراتی ایستا.
- بیابانگرد، ا. (۱۳۸۴). روان شناسی نوجوانان. تهران: دفتر نشر انقلاب اسلامی.
- بی نا. (۱۳۷۸). دکترین مرکز ملی جوانان برای ساماندهی امور جوانان. مقاله؛ ویژه نامه مرکز ملی جوانان. شهریور.
- راستگومقدم، م. (۱۳۷۶). بررسی تحول هویت شغلی از نوجوانی تا جوانی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- شارف، ریچارد. (۱۳۸۱). نظریه های روان درمانی و مشاوره. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: خدمات فرهنگی رسا.

- شفیع آبادی، ع؛ ناصری، غ. (۱۳۸۳). نظریه های مشاوره و روان درمانی. تهران: نشر دانشگاهی.
- شکری، زهرا. (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه پایگاه های هویت میان دختران و پسران دانشجو. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- شی، یر، م؛ کارو، چ. (۱۳۷۵). نظریه های شخصیت. ترجمه احمد رضوانی مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- عزتی، ر. (۱۳۸۶). بررسی اثرات ماهواره بر هویت دینی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- لطف آبادی، ح. (۱۳۸۴). روان شناسی رشد (۲) / نوجوانی، جوانی و بزرگسالی. تهران: انتشارات سمت.
- میکوچی، ج. (۱۹۹۸). نوجوان و خانواده درمانی / شکستن چرخه های اختلاف و کنترل. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: ققنوس.
- ناجی راد، م. ع. (۱۳۸۲). موانع مشارکت زنان در فعالیت های سیاسی - اقتصادی ایران پس از انقلاب. تهران: کویر.

## منابع انگلیسی

- Hunsberger, B. & Pratt, M., & Pancer, M. (2001). **Adolescent identity formation: Religious exportation and commitment. Identity: An international Journal of theory and research**, 1(4), 365 -386.
- Mackinnon, J. L, & Marcia, J, E.(2002). **Concurring patterns of women's identity status , attachment styles, and understanding of children's development**. International journal of behavioral development. 25(1), 70 – 80.
- Marcia, J. E. (2002). **Identity and psychosocial development in adulthood. Identity: An international Journal of theory and research**. 2(1), 7-28.
- Steinberg, L. (1999). **Adolescence**. fifth edition.